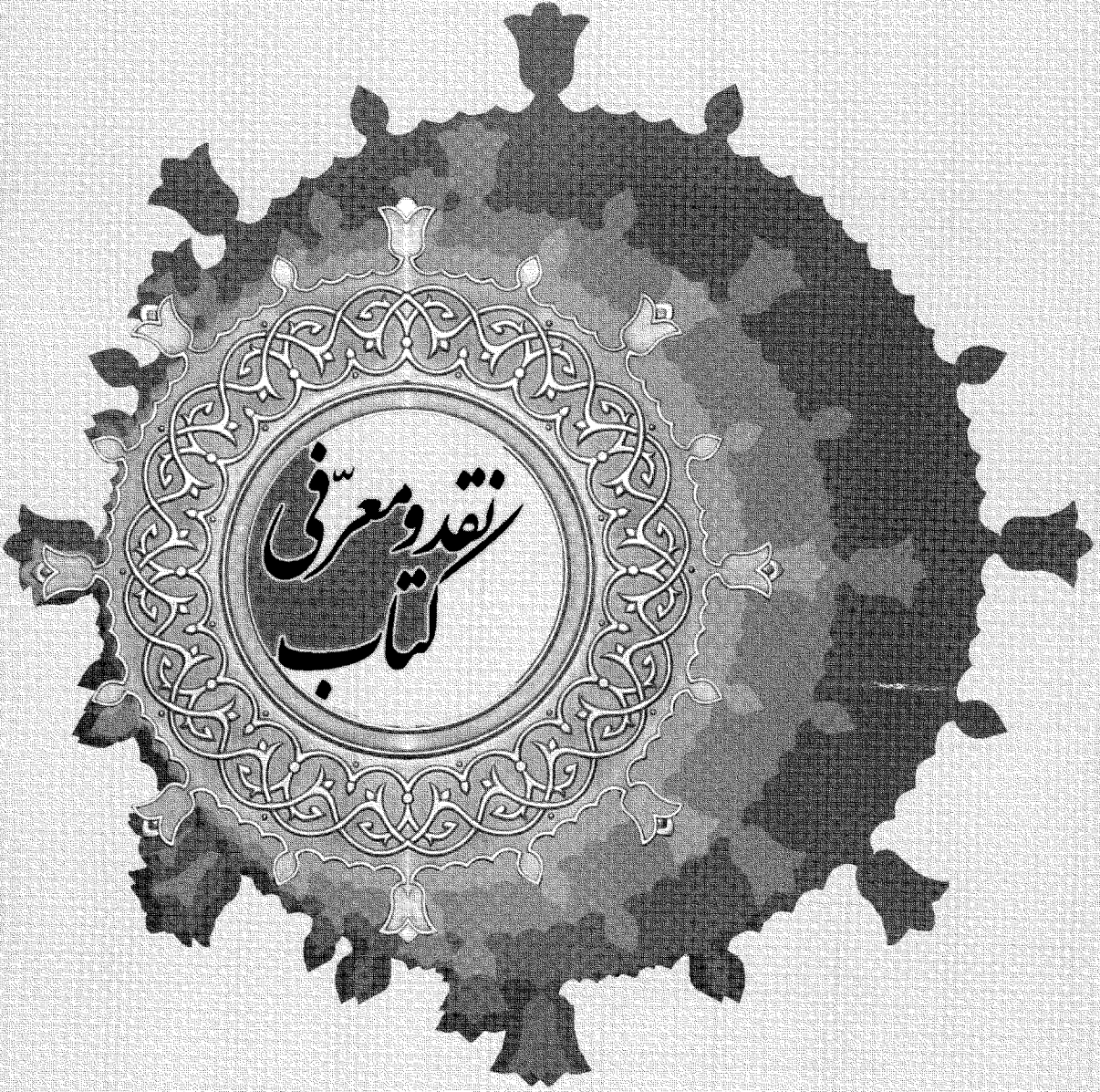
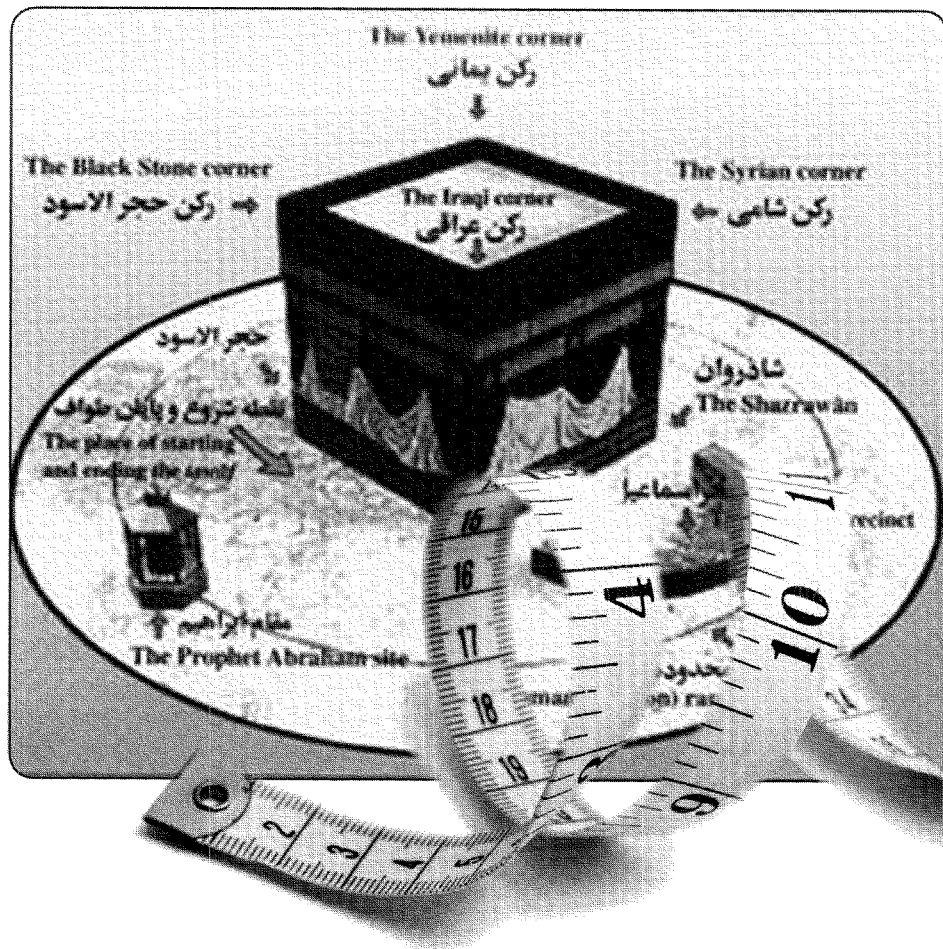


تقدیر معرّفی
کتاب





بيان مقدار ذراع مكه ومسجد الحرام

از مؤلفی تاشناخته تحقیق حسین و آلفی

رساله‌ای که در پیشدید شما است، از نویسنده‌ای هندی تبار و ناشناخته است که با قلمی استوار نگاشته و به نظر می‌رسد مربوط به قرن دهم هجری است. از این رساله چند نسخه شناسایی شده است:

۱. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی:

با شماره (۲۹۷۸۵) به خط محمد شریف بن نجم الدین، کتابت سال ۹۹۹ق. در احمدآباد هند. به نظر می‌رسد کاتب شیعه بوده؛ زیرا این رساله را، همراه با چند رساله دیگر، در یک مجموعه کتابت کرده که دو رساله از میان آن‌ها شیعی است؛ یکی «نیات الحج و العمرة» از تألیفات شهید ثانی و دیگری «آداب السفر» منقول از منتهی المطلب علامه حلی. شکر خدای را که این نسخه کامل است و چاپ رساله یاد شده بر مبنای همین نسخه است.

۲-۳. دو نسخه در کتابخانه ملی تاجیکستان:

یکی در مجموعه ۹۱۷، رساله پنجم، برگ ۴۰ ب ۶۲ ب با همان آغاز، که در صفحه ۷۹ جلد دوم فهرست آن کتابخانه معرفی شده است. و دیگری در مجموعه ۶۳۱، رساله دوم، برگ ۶۶ آ - ۷۸ آ، که در صفحه ۳۵ جلد دوم فهرست آن کتابخانه معرفی گردیده، با همان آغاز. گفتنی است، در هیچ‌یک از آن‌ها نامی از مؤلف رساله به میان نیامده است.

لازم به یاد آوری است که در جلد دوم فهرست آن کتابخانه، صفحه ۱۳۲، رساله‌ای به نام «در بیان ذراع مکه معظمه» در مجموعه ۱۹۷۵، برگ ۷۶ ب - ۹۸ آ معرفی شده است و چون آغاز و انجام آن را در فهرست نیاورده‌اند، نمی‌دانیم این نسخه، نسخه دیگری است از همین رساله یا مخطوطه‌ای از رساله دیگر است.

۴. نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی:

و آن نسخه‌ای است ناقص از این رساله که در قرن ۱۳ق. کتابت شده و با شماره ۱۵۴۱۸ نگهداری می‌شود.

۵. نسخه الجامعة الإسلامية در علیگر هند؛ از کتب مولانا آزاد،

نسخه‌ای از این رساله به شماره: 95134/8.H.G موجود است.

نکته مهمی که به هنگام مطالعه این رساله باید در نظر داشت، این است که مؤلف «گَز» را معادل ذراع دانسته که حدود نیم متر است و این برخلاف اصطلاح و عرف ما است که گَز را معادل ذرع می‌دانیم که حدود ۱۰۴ سانتی متر می‌باشد. اگر به این نکته توجه نشود، در فهم اندازه‌ها مرتکب خطای فاحش خواهیم شد و اندازه‌ها را دو برابر مقدار واقعی برداشت خواهیم کرد و این نکته‌ای است که برخی از پژوهشگران از آن غفلت کرده‌اند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، والعاقبة للمتقين، والصلاة والسلام على رسوله محمد وآله وصحبه أجمعين.

بدان آید که بنیل السعادة و الكرامة، که این کلمه چند، مسطور شده در بیان مقدار ذراع مکّه معظمه - حَرَسَهَا اللَّهُ عَنِ الْآفَاتِ - و بعضی از کیفیات مسجد حرام، که عبارت است از حرم کعبه مشرفه معظمه، زادهای الله تشریفاً و تعظيماً.

قبل از شروع، بدان که «گَز»^۱ در عرف اهل شرع، مقدار بیست و چهار انگشت مضمومه^۲ است به عدد حروف لا (۲)، إله (۳)، إلا (۳)، الله (۴)، مُحَمَّد (۴)، رَسُول (۴)، الله (۴). و هر انگشتی را شش جُو اعتبار نموده‌اند؛ چنان که پشت هر یکی به شکم دیگری متصل باشد و هر جُوی [را] شش موی اسب اعتبار کرده‌اند.

پس از تمهید این مقدمه، بدان که بیت الله الشریف که کعبه ظاهر است، بلندی او در این ایام بیست و هفت گَز و رُبع است به ذراع مذکور. اما طول او در روی زمین از رُکن حجر الأسود تا رکن عراقی - که دیوار شرقی کعبه است - بیست و پنج گَز است و همچنین از رکن یمانی تا رکن شامی که دیوار غربی [است]، بیست و پنج گَز است و زیادتى که در جانب حجر است، مقدار یک و جب باشد یا بیشتر، اهل تاریخ آن را اعتبار نکرده‌اند.

اما عرض بیت، از رکن یمانی تا رکن حجر الأسود که دیوار جنوبی است، بیست گَز است.

و همچنین از رکن شامی تا رکن عراقی که دیوار شمالی است، بیست گز است. اما عرض دیوار خانه دو گز است^۴ و طول باب کعبه شش گز و ثلث گز و نصف سُدُس گز است و عرض باب چهار گز است و باب کعبه در دیوار شرقی است و تخته‌های در کعبه از چوب ساج^۵ است و تنگ‌های نقره بر روی او نهاده‌اند و به یخ‌های نقره استوار کرده‌اند. اما بلندی آستانه در کعبه از روی زمین چهار گز و ثمن گز است و ناودان کعبه که آن را «میزاب الرحمه» می‌گویند، در میانه رکن عراقی و رکن شامی است و حجر اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام در زیر آن است و معنای حجر عَنُقْرِب به تفصیل بیان کرده خواهد شد، إن شاء الله تعالی. اما عرض مُلتَزَم چهار گز است و مُلتَزَم ما بین باب کعبه و حجر الأسود^۶ را گویند و وجه تسمیه مُلتَزَم آن است که مردم آن را التزام کرده‌اند از برای دعا و بعد از اتمام طواف آنجا دست بر دیوار کعبه نهاده، دعا و زاری می‌کنند و آمرزش می‌خواهند؛ چنان که در مناسک مذکور است. زیرا که یکی از آن اماکنی که حدیث نبوی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در شأن آن واقع شد که محل اجابت دعا است اینجا است.

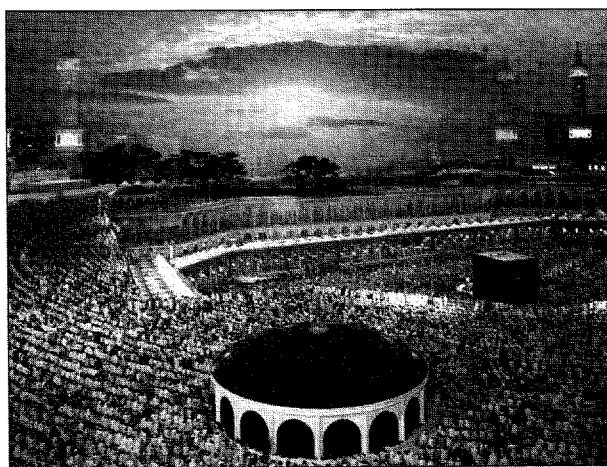
اما بلندی حَجَرِ الْأَسْوَد از روی زمین؛ دو و نیم گز و سُدُس گز است و چیزی زیاده، و طول آن مقدار که از او ظاهر است یک و جب و چهار انگشت مضمومه است - یعنی انگشتان بر هم نهاده - و عرض او یک و جب است، قدری کمتر.

اما عرض مُسْتَجَارِ چهار گز و دو انگشت است، و مُسْتَجَار ما بین رکن یمانی و باب ثانی کعبه است و در این ایام این باب ثانی مسدود است و اهل تواریخ چنین نقل کرده‌اند که چون قریش تجدید عمارت کعبه کردند، این باب مذکور را به سنگ بر آوردند و همچنان مسدود بود تا زمان عبدالله بن زبیر و او در زمان امارت خود این در را بگشاد و چون حجاج او را شهید کرد! [کشت]، باز این باب را بر قاعده قریش بر آوردند و این باب از آن تاریخ تا یومنا هذا همچنان مسدود است.

و این مُسْتَجَارِ مذکور محاذی مُلتَزَم است و مُسْتَجَارِ بهر آن می‌گویند که آنجا نیز مردم می‌ایستند و دست به دیوار کعبه نهاده، طلب مغفرت می‌کنند و از گناهان نجات می‌خواهند و لهذا مُسْتَجَارِ مِنَ الذُّنُوبِ گفته‌اند.

اما عرض باب مسدود سه گز و نصف گز است و طول او پنج گز است، اندکی زیاده.

اما حجر - به کسر حاء مهمله و سکون جیم - که آن را حطیم نیز نامیده‌اند، محوطه است^۷ مدوّر، مانند نصف دایره‌ای، و این حجر در جانب شمالی کعبه واقع شده در زیر ناودان؛ چنانکه سابقاً ذکر آن گذشت، و حدّ او از رکن عراقی است تا رکن شامی و زمین درون حجر را به سنگ‌های رخام سفید و سیاه و سرخ و زرد و سبز فرش کرده‌اند. و از آنجا که زیر ناودان است تا دیوار دایره حجر هفده گز و ثلث گز است و مقدار هفت گز و یک و جب از زمین کعبه است و باقی جای گوسفندان حضرت اسماعیل بوده و بعد از آن در حجر داخل



کرده‌اند و طواف بر دور حجر می‌کنند؛ زیرا که اگر از درون حجر طواف کنند باطل است؛ زیرا که در حدیث واقع است که الْحَجْرُ مِنَ الْبَيْتِ و به اتفاق ائمه می‌باید که طواف چنان واقع شود چنان که هیچ عضوی از اعضای طائف داخل کعبه نگردد. بنابراین، اگر کسی در اثنای طواف، از درون حجر بگذرد، طوافش درست نبُود.

و این حجر دو در دارد؛ یکی نزد رکن عراقی و یکی نزد رکن شامی و مسافت ما بین دو در حجر بیست گز است و دور دایره حجر از جانب درون سی و هشت گز است و از جانب بیرون چهل گز و رُبْع گز است. پس یک طوف بر گرد کعبه مشرفه و حجر یکصد و سی و سه گز و نصف گز است.

اما بیان حفره که پیوسته به دیوار شرقی کعبه، نزدیک به زیر آستانه باب کعبه، که در این

ایام به «مقام جبرئیل علیه السلام» مشهور است و بعضی گویند: این حفره جایی است که حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام آنجا گِلِ راست می کرده‌اند از بهر تعمیر کعبه، و لهذا اهل مکه آن حفره را مِعْجَنَه می‌نامند. اما طول این حفره هشت و جب است و هفت انگشت مضمومه، و عرض او پنج و جب و سه انگشت به جناب دیوار کعبه، و عمق او یک و جب و چهار انگشت مضمومه است.

و منقول است از شیخ محبّ الدین الطبری که از محدثین است و از شیخ عزّ الدین بن عبدالسلام نیز که این حفره چاهی است که جبرئیل علیه السلام با رسول صلی الله علیه و آله پنج وقت نماز را دو روز متعاقب در این موضع گزارده‌اند و اوقات پنج نماز فریضه را معین ساخته در زمانی که خداوند تبارک و تعالی نماز را بر این امت مرحومه فرض گردانید، والله اعلم.

و بدان که حرم محترم و بیت الله المعظم، اندک انحرافی دارد از جهات اربع؛ چنان که رکن حجر الأسود محاذی بین المشرقین واقع شده، و ستاره قطب شمالی در برابر رکن عراقی مرئی می‌گردد، و باقی ارکان به همین قیاس و این، در کتب هیئت و بعضی از مناسک مذکور است.

اما بیان کیفیت مقام ابراهیم علیه السلام، چنین نقل کرده‌اند از شیخ عزّ الدین بن جماعه که گفت:

«در سال هفتصد و پنجاه و سه از هجرت نبوی مجاور مکه بودم و مقام مذکور را پیمودم؛ بلندی مقام از روی زمین نصف و ربع و ثمن گز است و روی مقام ربع است از هر طرفی سه ربع گز، و موضع قدمین حضرت ابراهیم علیه السلام را تنگه نقره پوشیده‌اند و عمق موضع قدمین از بالای نقره، هفت قیراط و نصف قیراط است؛ یعنی ثلث گز الانیم قیراط. و بیست و چهار قیراط یک گز است، چنانچه بیست و چهار انگشت یک گز است. و در این ایام بر بالای مقام مذکور صندوقی از آهن ساخته وضع کرده‌اند که بلندی آن مقدار چهار گز باشد، و چهار جانب آن صندوق در زمین استوار است و بر روی صندوق پرده‌ای از اطلس سیاه زربفت پوشانیده‌اند و بر بالای صندوق مذکور گنبدی مختصر از چوب بر سر چهار ستون سنگ ترتیب کرده‌اند و درون آن را به طلا و لاجورد و غیرهما ملون و منقش ساخته و بر روی آن گنبد تخته‌های سُرَب بر بالای هم نهاده میخ دوز کرده‌اند و بر چهار جانب گنبد،

چهار شَبَاک از هفت جوش^۱ بر چهار ستون مذکور وصل کرده‌اند و در عقب گنبد ایوانی بر سر دو ستون سنگ ترکیب کرده‌اند و یک جانب این ایوان متصل به گنبد است و این ایوان را خلف المقام می‌گویند.

و سنت این است که بعد از فراغ طواف، دو رکعت نماز طواف را در خلف المقام گزارند مگر آن که ازدحام خلق باشد، آن‌گاه در حجر باید گزارد، و اگر آن‌جا نیز انبوهی خلق باشد، در هر موضع از مسجد که گزارد جایز است و نیز به طریق جواز در جمیع از حرم روا باشد. اما طول موضع که مصلاً است؛ یعنی زیر ایوان است پنج گز و سُدس گز است و طول و عرض شَبَاک^۲ مذکور پنج گز و ثمن گز است، و ارتفاع شَبَاک پنج گز است.

اما بدان که مقام عبارت است از آن سنگی که ابراهیم علیه السلام به روایتی بر بالای آن ایستاده‌اند. بنا بر امتثال امر الهی - جَلَّ و عَلَا - بعد از اتمام کعبه مشرفه، خلق را ندا کرده‌اند و به حج خوانده‌اند؛ چنانچه خدای تعالی در کلام مجید می‌فرماید: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ﴾^۳ الآية. و اثر قدم مبارک ایشان در سنگ مذکور ظاهر است؛ چنان که اثر پای برهنه‌ای در گل نیم خشک می‌ماند.

و روایتی آن است که چون خلیل جلیل علیه السلام مأمور گشت به عمارت کردن کعبه مشرفه و بعد از آن که دیوارها بلند شد و دست بر سر دیوار نمی‌رسید، حضرت ابراهیم گل و سنگ و ما یحتاج عمارت را بر دوش خود می‌نهادند و بر بالای مقام مذکور می‌ایستادند و آن سنگ به فرمان الهی - جَلَّتْ قدرته و عظمته - میل به جانب بالا می‌نمود و نزدیک به کنار دیوار همچنان معلق به هوا می‌ایستاد تا حضرت ابراهیم علیه السلام مصالح عمارت را به کار می‌بردند. باز آن سنگ به جانب زمین میل می‌کرد تا آن‌که بر روی زمین قرار می‌یافت، و الله اعلم بحقائق الأمور و هو علیم بذات الصدور.

اما از صندوق درون شَبَاک که مقام مذکور در آن است تا شاذروان کعبه بیست گز و ثلثان گز و ثمن گز است و شاذروان پشتیان دیوار را گویند، و از حجر الأسود تا مقام مذکور بیست و هفت گز است.

اما عمق چاه زمزم شصت و هفت گز است و عرض سر چاه چهار گز در چهار گز است و از دیوار شرقی کعبه تا چاه زمزم که محاذی او است، سی و سه گز است و ما بین مقام و چاه زمزم بیست و یک گز است.

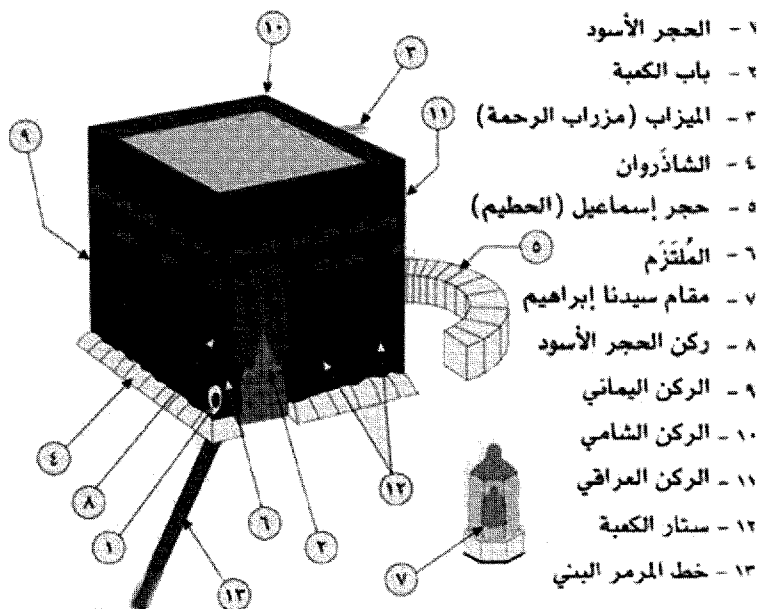
اما عرض زمین مطاف که گرداگرد کعبه، به سنگ فرش کرده‌اند، از طرف شرقی کعبه، از پهلوی شبّاک مقام تا شاذروان کعبه که مقابل او است، چهل و چهار قدم است، و از جانب شمالی، از کنار مطاف تا دیوار حطیم که برابر او است، چهل و هشت قدم است، و از طرف غربی، از کنار مطاف تا شاذروان کعبه که محاذی او است، شصت و پنج قدم است، و این دورترین جوانب است. و از جانب جنوبی، از کنار مطاف تا شاذروان کعبه، آنجا که زیر حَجَرِ الْأَسود است، چهل و هفت قدم است.

اما بیان مقامات اربعه

بدان که مقام شافعی در این ایام، در طرف شرقی کعبه است؛ مقابل وجه کعبه، در عقب مقام ابراهیم علیه السلام. و اما مقام حنفی در طرف شمالی کعبه است، مقابل میزاب الرحمه، و این قبله مدینه و شام و روم است. اما مقام مالکی در طرف غربی کعبه است، مقابل ظُهر کعبه و

الكعبة المشرفة

(قبلة المسلمين)



اما مقام حنبلی در طرف جنوبی کعبه است مقابل حَجَرِ الْأَسْوَد، و هر چهار مقام مذکور بیرون مطاف است. اما در وقت موسم حج که می شود به واسطه کثرت مردم، پیش نماز شافعی در مطاف نزدیک به کعبه نماز می گزارند.

اما در عقب خانه‌ای که چاه زمزم در وی است، گنبدی است که آن را قُبَّةُ الْفَرَّاشِین می گویند؛ زیرا که فرّاشان میحتاج مسجد را آنجا می نهند و در عقب قُبَّةِ الْفَرَّاشِین نیز گنبدی است که سقایة الحاج می نامند و آن را ابتدا حضرت عباس رضی الله عنه عمارت کرده برای حاجیان که آنجا آب زمزم بیاشامند.

اما بیان عمارت مسجد حرام و کیفیت آن

بدان که سطحی بود در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله و در عهد خلافت ابوبکر نیز، و از هیچ طرف دیواری نداشت و در دور مسجد خانه‌ها بود که دور مسجد را مثل دیوار احاطه کرده بود و در میان خانه‌ها راه‌ها بود که مردم به حرم در می آمدند. پس چون زمان خلافت عمر شد و مسلمانان بسیار گشتند، ایشان خانه‌ها خریدند و ویران ساخته در حرم افزودند و مسجد را قدری گشاده ساختند و بر دور او دیواری بر آوردند کمتر از قد آدمی، و چراغ‌های مسجد را بر سر دیوار می نهادند.

بعد از آن، در عهد عثمان نیز خانه‌ها خریدند. در سال بیست و ششم از هجرت، در مسجد داخل ساختند و حرم مسجد را بزرگ ساختند و رواق‌ها بنا نمودند.

بعد از آن، عبدالملک مروان که از خلفای بنی امیه است، مسجد را عمارت کرد، لیکن چیزی زیاده نساخت، اما دیوار مسجد را بلند کرد و سقف حرم را از چوب ساج ساخت و منقش کرد و قندیل‌ها از سقف آویخت. بعده ولید بن عبدالملک مذکور مسجد را قدری وسیع ساخت و بعضی ستون‌های حرم را از رخام ساخت.

و بعد از آن، چون دولت و خلافت از بنی امیه به آل عباس انتقال کرد، منصور ابو جعفر که از جمله خلفای عباسی است، در طرف شمالی مسجد قدری اضافه کرد و بعضی ستون‌ها از رخام فرمود. و بعده مهدی بن منصور مذکور دو بار حرم را زیاده کرد؛ یکی در تاریخ صد و شصت از هجرت، و نوبت ثانی در سال صد و شصت و هفت. و در تاریخ صد و شصت و نه، مهدی مذکور وفات یافت و این مهدی پدر هارون الرشید است و در بحر العمیق از طبری

منقول است که ابوهریره گفت: به درستی که هر آینه یافتیم در کتاب خدای - عزّ و جلّ - که حد مسجد حرام از باب جزوره است تا مسعی، و مسعی ما بین الصّفا و المروه را گویند. و گفته‌اند که مهدی مسجد را بر مسعی بنا نهاد و جمیع ستون‌های حرم را از رخام^{۱۱} ساخت و کعبه را که در یک طرف مسجد بود، در میان مسجد - به خریدن خانه‌ها و زیاده کرده - در آورد.

اما طول مسجد حرام در این ایام، از باب بنی شیبه - که مشهور به باب السّلام است، و آن در کُنج دیوار شرقی مسجد است - تا باب عمّره که محاذی اوست در کُنج دیوار غربی، چهارصد و چهار گز است و این دویست و هشتاد خُطوه می‌شود. اما عرض مسجد حرام از باب بنی مخزوم که مشهور به «باب الصّفا» است و این در، در دیوار جنوبی مسجد است تا دیوار اصلی مسجد که در طرف شمالی است، قریب باب دار الندوه سیصد و چهار گز است و این دویست و بیست و شش خُطوه می‌شود و خطوه گام را گویند.

اما عدد درهای حرم

بدان که در این ایام، در اطراف مسجد حرام نوزده در است، اما مدخل سی و نه است؛ چنانکه هر دری مشتمل است بر دو مدخل و سه مدخل، کمتر و بیشتر، بدین ترتیب که مذکور می‌شود:

اما جانب دیوار شرقی چهار در است؛ اول باب بنی شیبه که در این ایام مشهور است به باب السّلام،^{۱۲} و نزد اهل مکه در جاهلیت به باب بنی عبدشمس [مشهور] بوده و امام [آزرقی] در تاریخ مکه گفت که باب السّلام خلفا نامیده‌اند و این باب سه مدخل دارد. دوّم باب النبی ﷺ که امروز مشهور به باب النساء است و باب الحریر نیز گویند و این دو مدخل دارد.^{۱۳}

سیّم باب عباس بن عبدالمطلب - رضی الله عنه - که در این ایام باب الجنائز می‌گویند و در بیرون این باب متصل به دیوار مسجد، یکی از میلین أخضرین است که نشانه مسعی است و این باب سه مدخل دارد.

چهارم باب علی بن ابی طالب است - علیه الصّلاة و السّلام - و این باب نیز سه مدخل دارد.

اما جانب دیوار جنوبی هفت در است.

اول باب بنی عائذ که در این زمان به باب بازان مشهور است و این باب دو مدخل دارد. دوم باب بنی سفیان بن اسد است که در این ایام به باب البغله مشهور گشته، و صاحب النهایه این در را باب الحنّاطین گفته است و این باب نیز دو مدخل دارد. سیوم باب بنی مخزوم که در این و لا به باب الصّفا اشتهار یافته و این باب را پنج مدخل است. چهارم باب اجیاد الصغیر است و وجه تسمیه اجیاد صغیر و کبیر عنقریب مذکور خواهد شد، ان شاء الله تعالی، و در این ایام باب جیاد می نامند - به کسر جیم - و این باب دو مدخل دارد. پنجم [باب] مجاهدیه، که در این ایام باب القطنه می گویند و باب الرحمه نیز می نامند و این باب و باب اجیاد صغیر نیز از جمله ابواب بنی مخزوم است؛ زیرا که امام ازرقی در تاریخ خود چنین گفته است، و این باب نیز دو مدخل دارد.

ششم باب مدرسه شریف حسن بن عجلان بن رمیثه است که از جمله سلاطین مکه بوده و گویند که این در را در قدیم باب بنی تیم گفتندی، و صاحب النهایه باب العلافین نامیده است، و لکن در این ایام باب الرحمه می گویند و این باب نیز دو مدخل دارد. هفتم باب امّ هانی بنت ابی طالب است و این باب نزدیک به خانه های بنی عبدشمس بوده و در جاهلیت به نام ایشان خواندی، و ایضاً باب الملاعبه گفتندی، و بعضی باب العرج نیز خوانده اند، به سبب آن که امام آقشهری در تعریف مسجد حرام که به خطّ خود نوشته، چنین ذکر کرده که خانه امّ هانی که از آنجا معراج واقع شده، پهلوی این در است و وجه تسمیه باب العرج این است. اما صاحب النهایه باب ابی جهل نامیده، و این باب نیز دو مدخل دارد.

اما جانب دیوار غربی

سه در است؛ اول باب حَزْوَرَه و این باب قریب به اجیاد کبیر است و بدان که اجیاد کبیر و اجیاد صغیر دو محله است در شهر مکه. و به روایتی اجیاد بهر آن نامیده اند که آنجا اسبان گران بهای برگزیده جهت فروختن تربیت می کرده اند. پس در این صورت، اجیاد جمع جید باشد - به فتح جیم و تشدید یاء - و بعضی نقل کرده اند که در یک روز صد کس را در آنجا سر از تن جدا کردند! پس بر این تقدیر اجیاد جمع جید باشد - به کسر جیم و سکون یاء. ^{۱۴} و این در را باب حَزْوَرَه بهر آن می گویند که شخصی بود نام او و کعب بن سلمه، و او مدّتی

والی مکه معظمه بوده و حکومت کرده و از برای او تختی بزرگ از چوب ساخته بوده‌اند بر هیئت قصری کوچک، که گاه‌گاه بهر حکومت آن‌جا می‌نشسته و او خادمی تعیین کرده بود از برای محافظت آن تخت که نام او حَزْوَرَه بود و این باب به نام او مشهور گشته، اما در بین عوام اهل مکه باب عَزْوَرَه می‌گویند - به عین مهمله - و این باب دو مدخل دارد.

دوم باب ابراهیم است و ابو عبیده بکری گفته است که ابراهیم نام خیاطی بوده که نزدیک به این باب دکانی داشته و این باب به او منسوب شده، و نسب او را شیخ سعد الدین اسفراینی در کتاب مسمی به «زبدۃ الأعمال» چنین ذکر کرده که: هو ابراهیم الإصفهانی. و بعضی این باب را منسوب کرده به حضرت ابراهیم خلیل - علی نبینا وعلیه الصلاة والسلام - و لیکن این قول ضعیف است و وجهی ندارد که این باب را به آن حضرت تخصیص کنند از سایر ابواب، والله أعلم بالصواب؛ زیرا که آن حضرت متوطن مکه نبوده. و اما ازرقی در تاریخ مکه، باب الخیاطین گفته است و این باب را در زمان سابق دو مدخل بوده، اما در این ایام یک در است، که از جمیع ابواب بزرگ‌تر است.

سیم باب بنی سهم که مشهور به باب عمره است و این باب یک مدخل کوچک دارد.

اما جانب دیوار شمالی

پنج در است: اول باب عمر [و] بن العاص که در این ایام باب السده می‌گویند و این باب، یک مدخل کوچک دارد.

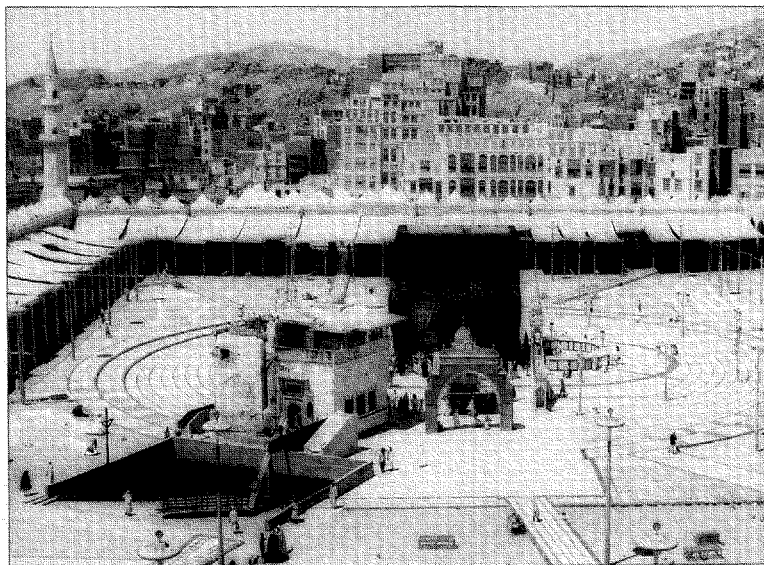
دوم، باب العجله است و این نیز یک مدخل دارد.

سیم، باب دار الندوه است و این باب نیز یک مدخل کوچک دارد.

چهارم، باب زیاده باب الندوه است و امام ازرقی در تاریخ خود باب دار شیبه بن عثمان گفته است، اما در این ایام مشهور به باب الزیاده است و باب زیاده علی نیز می‌گویند و این باب قریب به سویقه است و سویقه اسم محله‌ای است که اعظم محله‌های شهر مکه است و اکثر اکابر مکه از فقها و اغنیا آنجا ساکن‌اند و عمارات عالی به تکلف دارند و حد آن محله تا زیر جبل قعیقان است که محاذی کوه ابوقیس واقع شده، و این باب سه مدخل دارد.

پنجم باب الدریبه است و این باب یک مدخل کوچک دارد که خردترین همه درها

است، والله الهادی.



اما عدد ستون‌هایی که در زیر رواق‌ها است.

گرداگرد مسجد حرام غیر ستون‌هایی که در باب ابراهیم و باب الزیاده است، جمله چهارصد و شصت و نه ستون است در چهار دور حرم، و هر طرفی سه قطار است، اما ستون‌های زیادتی باب ابراهیم بیست و هفت عدد است و ستون‌های زیادتی باب الزیاده شصت و هفت است. اما ستون‌هایی که بر دور مطاف از جهت آویختن قندیل‌ها راست کرده‌اند، سی و سه عدد است و گویند که سابقاً جمله از سنگ بوده، اما در عهد دولت سلطان سلیمان از هفت جوش^{۱۵} ریخته‌اند و به عوض آن ستون‌های سنگی نصب کرده‌اند و بعضی گویند مادر سلطان فرموده بوده، به نام سلطان کرده، والله اعلم.

اما مناره‌هایی که در مسجد حرام است

هفت عدد است؛ چهار منار در چهار کُنج حرم است، یکی در پهلوی باب الزیاده و یکی دیگر بر بالای طاق دروازه مدرسه سلطان قایتبای که یکی از سلاطین مصر بوده، و آن مدرسه متصل به دیوار شرقی مسجد است؛ میان باب السلام و باب النساء و یکی دیگر در اندرون مدرسه سلطان سلیمان که میان باب الزیاده و باب الدریه است در جانب شمالی مسجد، والله الهادی.

اما بیان فضیلت و افضلیت مکه مشرفه و مدینه منوره

بدان ایدک الله و ایانا، که ائمه دین اختلاف کرده اند در این که مکه افضل است یا مدینه، - حرسهما الله عن الآفات - اما امام اعظم [ابو] حنیفه و امام شافعی و امام کل احمد بن حنبل متفق اند بر این که مکه افضل است ولیکن امام سالک یعنی مالک گفته که مدینه افضل است، اما آسودگاه سرور کائنات و خلاصه موجودات - علیه أفضل الصلاة و أكمل التحیات - افضل است از مکه و از کعبه، بلکه از عرش نیز، و این معنی را شیخ جلال الدین السیوطی ذکر کرده است در کتاب مسمی به انموزج اللیب فی خصائص الحیب، و غیر او نیز گفته اند.

اما بیان مواضع (سی) که دعا آنجا مستجاب می شود

در مکه و بیرون مکه، بدان که پانزده موضع است به قول بعضی از اکابر دین، که در شأن آن حدیث نبوی ﷺ وارد شده، که مواضع اجابت دعا است: اول نزد مُلتزم، دوم نزد رکن حجر الأسود، سیم مقام ابراهیم، چهارم بین الرکن و المقام، پنجم تحت المیزاب، ششم نزد رکن یمانی، هفتم درون حطیم، هشتم اندرون کعبه، نهم نزد چاه زمزم، دهم بالای صفا، یازدهم بر مروه، دوازدهم بین الصفا و المروه؛ یعنی مسعی، سیزدهم منا، چهاردهم عرفات، پانزدهم در زمان سنگ انداختن در پای جمرات ثلاث؛ یعنی سه میل که در بازار منا است، و زمان سنگ انداختن ایام تشریق است و این قول شیخ حسن بصری است که در رساله فضائل مکه ذکر کرده.

اما بعضی دیگر از اکابر دین بدین ترتیب ذکر کرده اند:

اول زمانی که نظر بر کعبه مشرفه می افتد و قبل از آن ندیده باشد، دوم درون کعبه، سیم نزد مُلتزم، چهارم در مطاف، پنجم خلف المقام، ششم بر سر چاه زمزم، هفتم بر صفا، هشتم بر مروه، نهم مسعی، دهم عرفات، یازدهم مزدلفه، دوازدهم منا، سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم در وقت سنگ انداختن در زیر امیال ثلاث که در منا است، و الله اعلم بالصواب.

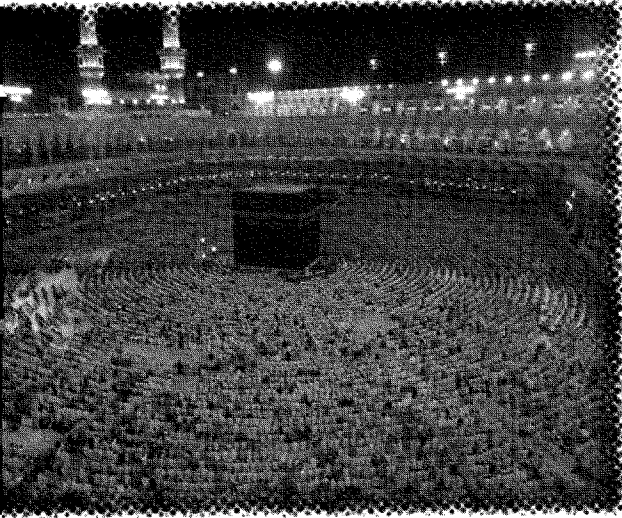
اما امام ابو محمد علی بن الحسن النقاش المفسر در مناسک خود آورده که در مکه معظمه، چهل جای، مکان اجابت دعا است و از برای هر جایی وقتی تعیین کرده و بعضی از آن در این مختصر مذکور می گردد و بالله التوفیق:

«خلف مقام ابراهیم ﷺ و تحت میزاب وقت سحر، و نزد رکن یمانی وقت فجر، و نزد

رکن حجرالأسود نصف النهار، و نزد ملتزم نصف الليل، و بر سر چاه زمزم وقت غروب آفتاب، و در درون کعبه میان دو ستون اول، وقت زوال آفتاب؛ یعنی نیم روز، و در وقت دخول از باب بنی شیبیه؛ یعنی باب السلام، و بر بالای صفا و بالای مروه بعد از عصر، و در خانه خدیجه - رضی الله عنها - که آن را قبة الوحی می نامند شب جمعه، و در مولد النبی؛ یعنی حضرت ﷺ آنجا متولد شده اند، روز دوشنبه وقت زوال آفتاب، و در دارالخیزران بین العشائین؛ یعنی میان نماز شام و نماز خفتن، و دارالخیزران خانه ای است که عمر آنجا مسلمان شده، و این موضع در پهلوی کوه صفا است در دامن جبل ابوقییس، و در منا شب چهاردهم ماه، و در مسجد کبش؛ یعنی قربان گاه اسماعیل علیه السلام و در مشعرالحرام؛ یعنی مسجد مزدلفه قبل از طلوع آفتاب، و در عرفات تحت السدرة وقت زوال آفتاب، و در موقف عرفات وقت غروب آفتاب، و در مسجد شجره که مقابل مسجد بیعت است روز چهارشنبه، و در متکا صباح یک شنبه، و متکا جایی را گویند که حضرت ﷺ بر آن تکیه کرده اند.»

و در این ایام، سدره و متکا معلوم و مشخص نیست که کجاست؛ زیرا که نزدیک به رباط ربیع مکانی است که آن را متکا می نامند، و نزدیک باب العمرة حجرة مختصر هست و آن نیز به متکا مشهور است، و در راه تعیم اسم موضعی است در راه مدینه، و از آنجا تا به مکه یک فرسخ است. و منقول است که عایشه با برادر خود از آنجا احرام عمره بسته اند به امر حضرت ﷺ و در این زمان اکثر و اغلب مردمان از آنجا احرام عمره می بندند؛ زیرا که نزدیک ترین زمین حل به ارض حرم این جانب است.

و در غار کوه ثور؛ یعنی غاری که حضرت ﷺ در آن غار فرار نموده بود از کفار، و از آنجا به مدینه هجرت فرموده اند وقت نماز پیشین؛ دیگر بر بالای جبل حرا که در این ایام مشهور به کوه نور است؛ و در مسجد بیعت و آن نزدیک منا است در طرف دست چپ کسی که از مکه متوجه منا باشد؛ دیگر غار مُرسلات؛ یعنی سورة والمُرسلات آنجا نازل شده، و آن غار در عقب مسجد حیف است در زیر کوه؛ دیگر مغارة فتح که آن را صخره عایشه می گویند، دیگر رباط موفق، و از شیخ جلیل فاکهی منقول است که آنجا بسیار می ایستاد و دعا می کرد و می گفت که دعا مستجاب می شود در درون رباط یا پیش در رباط. و ایضاً منقول است از شیخ ابن المطرف الولی المشهور که گفت: هرگز دست بر حلقه در رباط موفق نهادم مگر



آنکه در خاطر ظاهر گشت که چندین کس از اولیاء الله بر این حلقه دست نهاده‌اند؛ دیگر جبل ابوقییس، و گویند شیخ جلیل فاکهی گفته که هر گناه کاری که بر آن کوه برآید و توبه کند البتّه توبه او به اجابت مقرون است بعون الله تعالی، و صفا نیز از او محسوب است.

دیگر نزد قبر خدیجه کبری -رضی الله عنها- و نزد قبر سفیان بن عیینه، و نزد قبر شیخ فضیل ابن عیاض و نزد قبر امام عبدالکریم بن هوازن القشیری -رحمة الله علیهم- و این مشهور است، و نزد قبر شیخ ابوالحسن الشولی، و نزد

قبر عبدالمحسن بن ابی عمید صاحب المقام؛ یعنی امام مقام ابراهیم علیه السلام، و الله تعالی اعلم بالصواب، و الیه المرجع و المآب فی يوم الحساب.

غرض از تسوید این اوراق و تحریر سان اشواق آن که سالکان این راه و طالبان درگاه این بارگاه را چون علم به این امکان شریفه حاصل شود دُرد طلب بیش از پیش گردد، و بعد از حصول این مأمول، مؤلف این نسخه نامی و مترجم این رساله گرامی و کاتب را به فاتحه فایحه یاد آورند، و الله الموفق والمعین، قد وقع الفراغ فی يوم الأربعاء، الأول من شهر ذی القعدة الحرام، سنة ۹۹۹ فی بلدة أحمد انگر الهند الدکن من بلاد نظام شاه فی مدرسة نعمت خان غفر الله لهم و لنا و للمؤمنین.

على المصنّف و استغفر لصاحبه
من بعد ذلك غفراناً لكاتبه

يا ناظراً فيه سلّ بالله مرّحمةً
واطلب لنفسك من خيرٍ تريد به

پی‌نوشت‌ها:

۱. مؤلف در این رساله، گز را معادل ذراع دانسته است که حدود نیم متر است، لکن در عرف ما گز معادل ذراع که حدود یک متر است استعمال می‌شود.
۲. مضمومه یعنی انگشتان بر هم نهاده، چنان که در میان انگشتان فرجه نماند. (از نسخه).
۳. رُکن در لغت، بُرج و کُنج را گویند. (از نسخه).
۴. یعنی ضخامت دیوار کعبه دو ذراع است که حدود یک متر است.
۵. ساج درختی را گویند که در بلاد هند می‌باشد، چوب آن را در کشتی نهاده به اطراف بنادر بحر می‌برند و [با] آن چوب کشتی می‌سازند، و لهذا آن را خشب البحر می‌نامند. (از نسخه).
۶. البته این نظریه موافق با قول اهل سنت است. به اعتقاد و نظر شیعه، ملتزم در پشت کعبه، موازی در و نزدیک رکن یمانی قرار دارد؛ همان محلی که امروزه به مستتجار معروف است. برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع شود به مقاله‌ای با عنوان «ملتزم کجاست؟» به قلم آقای محمد رضا نعمتی، میقات حج، شماره ۴۳
۷. یعنی دیوار چینی شده.
۸. هفت جوش، هفت فلز: زر، نقره، مس، جُست، آهن، سُرَب، ارزیز.
۹. شَبَاک در لغت پنجره را گویند. (منه).
۱۰. سورة حج: ۲۷.
۱۱. فرمود تا از صعید که ولایت مصر است در کشتی‌ها نهادند و به جلد رساندند و به گردون به مکه آوردند. (منه).
۱۲. و گویند که خلفای عباسی از این در به حرم [وارد و خارج می‌شدند] بدین سبب به باب السلام [نامیده شد].
۱۳. و باب النبی بهر آن گویند که [حضرت رسول ﷺ] از آن در به خانه [ارقم] رضی الله عنه می‌رفته‌اند. (منه).
۱۴. و بعضی گفته‌اند نام کوه است که در انتهای این دو محله است، یا اسم وادی که در زیر آن کوه است، و الله اعلم. (منه).
۱۵. هفت جوش = هفت فلز: زر، نقره، مس، جست، ارزیز، سرب، آهن.